فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۵، شماره ۱۹، زمستان ۱۴۰۱

رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه

سعیده یعقوب‌لو[۱] بهرام اصل فتاحی[۲]

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی اول شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ می‌باشد که ۱۶۸ نفر از آنها به عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند، پس از ریزش پرسشنامه‌ها، تعداد نمونه‌ی باقیمانده ۱۵۶ نفر بود. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) که از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بود استفاده شد. همچنین برای اندازه‌گیری عملکرد تحصیلی از معدل کارنامه‌ی ماهانه‌ی دانش‌آموزان استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS-23 بهره برده شد. نتایج نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاکی از آن بود که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه با عملکرد تحصیلی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، سبک مستبدانه، سبک مقتدرانه، سبک سهل‌گیرانه، عملکرد تحصیلی

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
۲- استادیار، دانشگاه آزاد واحد شبستر، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

مقدمه

زندگی تحصیلی از مهمترین دوره‌های زندگی فرد است که بر تربیت و یادگیری ثمربخش و موفقیت‌آمیز فرد تاثیر می‌گذارد و در آن‌جا لیاقت‌ها و توانایی‌ها به بار می‌نشیند و پیشرفت‌های علمی حاصل می‌شود (هاشمیان، ۱۳۹۷). پیشرفت تحصیلی یکی از مهمترین ملاک‌های ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان محسوب می‌شود (سیف، ۱۳۹۸). عملکرد تحصیلی به توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشگاهی اطلاق می شود که به وسیله آزمون‌های فراگیری استاندارد شده یا آزمون‌های معلم ساخته اندازه‌گیری می شود (مهرافروز، ۱۳۹۲). عملکرد تحصیلی بیانگر این مطلب است که دانش‌آموز، معلم و نهادهای آموزشی تا چه حد به اهداف خود دست یافته‌اند (ساین[1] ۲۰۱۵) و به طور کلی متناسب با موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه سنجیده می‌شود و متغیرهای زیادی وجود دارد که بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد (آردوگدو[2] ۲۰۱۹). عواملی که مرتبط با خانواده است طبیعتا می‌تواند از عوامل مهم در این موضوع باشد (نصیرزاده، ۱۴۰۱). نوع برخورد والدین در قالب رفتارهای متنوع، بهنجار و طبیعی که به منظور کنترل و اجتماعی کردن فرزند خود به کار می‌برند، سبک‌های فرزندپروری نامیده می‌شوند (لی، چیو، کویی، ژاو و لی[3] ۲۰۱۸). در واقع سبک‌های فرزندپروری دربرگیرنده‌ی نحوه‌ی تعامل والدین با فرزندان بوده که از طریق مجموعه‌ای از گرایش‌ها، رفتارها و زمینه‌های غیرکلامی قابل تشخیص است (دارلینگ و استینبرگ[4] ۲۰۱۷). چهار شیوه‌ی فرزندپروری وجود دارد: شیوه استبدادی که از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و بسیار محدودکننده است (یانگ و ژائو[5] ۲۰۲۰)؛ شیوه مقتدرانه که کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب را شامل می‌شود و والدین در این شیوه، صمیمی، دلسوز و نسبت به نیازهای کودک حساس هستند و شیوه‌ی سهل‌انگارانه که مهرورز و پذیرا هستند ولی متوقع نیستند؛ و شیوه‌ی بی‌اعتنا که پذیرش و روابط خوب کم را با کنترل کم و بی‌تفاوتی کلی نسبت به استقلال دادن ترکیب می‌کند. والدین در این شیوه از لحاظ هیجانی، کناره‌گیر و جدا هستند (مافتی، هولمن و کارلیگ[6] ۲۰۲۰). شیوه‌های نوین فرزندپروری بر پایه‌ی اصول برابری و احترام متقابل استوار است. منظور از برابری کودک و بزرگسال ارزش انسانی و شان آنهاست و لازمه‌ی این برابری و درک ارزش انسانی کودک این است که والدین با بهره‌گیری از شیوه‌های منطقی و مسئولانه فرزندپروری به کودک خود اطمینان دهند که دارای ارزش و شان انسانی است (شعبانی و مویدی، ۱۳۹۵). تعامل نامطلوب والد با فرزند، احساسات منفی همچون ناکامی و خشم و ناامیدی را برانگیخته و تکرار رفتار ناسازگارانه فرد را در این چرخه معیوب به دنبال دارد (صابری‌راد، حیدری و داوودی، ۱۳۹۹). با توجه به تحت تاثیر قرار گرفتن عملکرد شخصی، تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان با سبک‌های فرزندپروری والدین، بررسی رابطه بین عملکرد تحصیلی با سبک‌های فرزندپروری ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه پژوهش‌های اندکی در این راستا صورت گرفته است اما به دلیل محدود بودن جامعه‌ی هدف و ابزارهای متفاوت بکار گرفته شده، هدف از پژوهش حاضر، تعیین ارتباط سبک‌های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی در جامعه‌ی گسترده‌ی دانش‌آموزان شهر تهران می‌باشد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی اول شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ تشکیل داده‌اند. طبق نظر کلاین (۲۰۰۵) تعداد گویه‌های ابزار مورداستفاده در پژوهش در ۵ ضرب می‌شود تا حداقل و حداکثر حجم نمونه تعیین شود. با توجه به اینکه مجموعه گویه‌های مقیاس‌های پژوهش حاضر ۳۱ گویه است، بنابراین حجم نمونه می‌تواند بین تا ۱۵۳ نفر باشد که در این پژوهش تعداد اعضای نمونه برای اطمینان ۱۶۸ نفر در نظر گرفته شده است که نهایتا با ریزش پرسشنامه‌ها ۱۵۶ نمونه باقی ماند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود که از بین مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران ۷ منطقه و از هر ۷ منطقه ۳ مدرسه

[1] Singh
[2] Ardogdu
[3] Lei, Chiu, Cui, Zhou & Li
[4] Darling & Steinberg
[5] Yang & Zhao
[6] Maftei, Holman & Cârlig

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

متوسطه اول دخترانه و از هر مدرسه ۸ دانش‌آموز به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل کردند. ابزار اندازه گیری در این پژوهش پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) و معدل امتحانات ماهانه بود.

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند[1](۱۹۷۲): بامریند از دانشگاه کالیفرنیا مجموعه بررسی‌هایی را انجام داد که طی آن الگوهایی از شیوه‌های فرزندپروری والدین مشخص شد. وی برای مطالعه خود پرسشنامه‌ای طراحی کرد که به نام خود او معروف شد، این پرسشنامه شامل ۳۰ گویه است. در مقابل هر عبارت ۵ ستون با عنوان (کاملاً موافقم، موافقم، تقریباً مخالفم، مخالفم و کاملاً مخالفم) قرار دارد که به ترتیب از ۴ تا ۰ نمره‌گذاری می‌شود. با جمع نمرات سوالات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا بدست می‌آید.

جدول ۱: مولفه و گویه‌های پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند

عنوان مولفه	گویه‌ها
شیوه سهل‌گیرانه	۱،۶،۱۰،۱۳،۱۴،۱۷،۱۹،۲۱،۲۴،۲۸
شیوه مستبدانه	۲،۳،۷،۹،۱۲،۱۶،۱۸،۲۵،۲۶،۲۹
شیوه قاطع و اطمینان‌بخش	۴،۵،۸،۱۱،۱۵،۲۰،۲۲،۲۳،۲۷،۳۰

نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت لیکرت ۵ نقطه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های (کاملاً موافقم، موافقم، تقریباً مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب امتیازات ۱،۲،۳،۴،۵ درنظر گرفته می‌شود. نمره‌گذاری هر خرده‌مقیاس با جمع کردن امتیازات مربوط به هریک از خرده‌مقیاس‌ها بدست می‌آید. حداقل نمره هر فرد از زیرمقیاس‌ها ۱۰، حداکثر نمره هر فرد در هریک از زیرمقیاس‌ها ۵۰ است.

برای سنجش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در این پژوهش از معدل کارنامه‌ی ماهانه استفاده شد. همچنین لازم به ذکر است در این پژوهش به منظور سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار این ضریب برای هر یک از متغیرها بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که نشان از پایایی برای هر یک از ابزار داشت. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار SPSS 23 در بخش استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها و والدینشان در جداول زیر آمده است:

جدول ۲: توزیع سن دانش‌آموزان و والدین آنها

والدین	میانگین سن	دانش‌آموزان	میانگین سن
مادر	۳۸/۲	دختر	۱۳/۶
پدر	۴۵/۶		

جدول ۳: توزیع سطح تحصیلات والدین

تحصیلات	مادر		پدر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زیر دیپلم و دیپلم	۲۷	۰/۲۸	۱۴	۰/۲۴
از دیپلم تا لیسانس	۵۹	۰/۶۱	۳۷	۰/۶۳
از لیسانس تا دکترا	۱۱	۰/۱۱	۸	۰/۱۳
مجموع	۹۷		۵۹	

در جدول شماره ۴ یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش آمده است:

[1] Baumrind Parenting Styles Inventory

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

جدول ۴: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر		میانگین	انحراف معیار	بیشترین نمره	کمترین نمره
سبک فرزندپروری	سهل‌گیر	۲۰/۹	۹/۱۱	۳۹	۱۲
	مستبدانه	۲۰/۷۶	۹/۴۳	۳۷	۱۰
	مقتدارنه	۲۱/۵۴	۷/۸۹	۳۳	۱۴
عملکرد تحصیلی		۲۳۴/۲۳	۳۷/۹۶	۱۶۱	۳۴

در جدول شماره ۵، ماتریس همبستگی میان متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی آورده شده است:

جدول ۵: ماتریس همبستگی بین متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی

سبک‌های فرزندپروری /	مقتدر	مستبد	آسان‌گیر
عملکرد تحصیلی	عملکرد تحصیلی	۰/۷۷**	-۰/۳۹**	-۰/۱۹**

**p<۰/۰۰۱ *p<۰/۰۵

با توجه به جدول ۵، تمامی ابعاد سبک‌های فرزندپروری همبستگی معناداری با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد. سبک‌فرزندپروری مقتدارنه با عملکرد تحصیلی همبستگی مثبت و معنادار و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیر همبستگی منفی و معنادار با عملکرد تحصیلی دارند. در واقع هر چه استفاده‌ی والدین از این دو سبک فرزندپروری بیشتر باشد، عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان ضعیف‌تر خواهد بود و در مقابل، بکار گرفتن سبک فرزندپروری مقتدرانه، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود خواهد داد.

جدول ۶: پیش‌بینی عملکرد تحصیلی بر اساس سبک‌های فرزندپروری

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	B	خطای استاندارد	β	T	Sig
عملکرد تحصیلی	مقتدارنه	۲/۹۸	۰/۰۹۲	۰/۷۲	۳۲/۷	۰/۰۰۰
	مستبدانه	-۲/۵۱	۰/۰۹۷	-۰/۶۱	-۲۵/۷۴	۰/۰۰۰
	سهل‌گیر	-۱/۲۴	۰/۱۳۲	-۰/۲۵	-۹/۳۲	۰/۰۰۰
$R=۰/۹۳^{**}$	$R^2=۰/۸۶$ **	$ADR^2=۰/۸۶$ **	$F=۹۳۱/۴۶^{**}$			

**p<۰/۰۰۱ *p<۰/۰۵

جدول فوق، نشان‌دهنده‌ی سهم هر یک از سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی است. بر اساس ضرایب β آورده شده در جدول، در صورت ثابت بودن سایر شرایط، افزایش یک واحد در سبک فرزندپروری مقتدارنه با ۰/۷۲ واحد افزایش در عملکرد تحصیلی همراه است و در مقابل یک واحد افزایش در سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیر، موجب کاهش ۰/۶۱ و ۰/۲۵ واحد کاهش در عملکرد تحصیلی همراه خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های فرزندپروری، پیش‌بینی‌کننده‌ی عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان می‌باشد و سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه، قدرتمندترین پیش‌بینی عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان بوده و به طور مثبت آن را پیش‌بینی می‌کند، این درحالیست که سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر و مستبدانه به طور منفی، عملکرد تصحیلی را پیش‌بینی می‌کنند. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌هایی همچون خلیلی، ۱۳۹۹؛ رستمی‌نژاد و شوکتی‌راد، ۱۳۹۵ و میلر و همکاران[1]، ۲۰۱۲

[1] Miller et. al.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

همسوست. در تبیین یافته‌ی حاصل از پژوهش می‌توان گفت سبک‌های فرزندپروری روش‌های تربیتی است که والدین ترکیب متعادلی از پذیرش و کنترل را در برخورد با فرزندان به کار می‌بنندند. تشویق مثبت و مداوم فرزندان در شیوه‌ی تربیتی مقتدرانه ممکن است موجب افزایش انگیزه‌ی تحصیلی در جهت بهبود عملکرد تحصیلی شود. والدین رفتار مستقل را در نوجوانان تقویت می‌کنند و با آموزش و حمایت و الگو بودن برای فرززندان، راهکارهای دستیابی به موفقیت را در آنها تقویت می‌نمایند. در واقع اقتدار منطقی والدین به صورت معناداری با تعهد والدین در امور تحصیلی دانش‌آموزان و تشویق آنان به بهتر شدن عملکرد تحصیلی آنان مرتبط است (خلیلی، ۱۳۹۹). در مقابل والدین استبدادی فاقد ویژگی‌های فوق می‌باشند. همچنین والدین سهل‌گیر، توجهی به نمرات درسی فرزندان خود ندارند و یا اگر دارند واکنش منفی در برابر آن نشان می‌دهند، هیچگونه نظم و قاعده‌ای برای اوقات فراغت و مدت زمان تماشای تلویزیون فرزندان در نظر نمی‌گیرند و بر انجام تکالیف درسی فرزندان نظارتی ندارند و آنها را کنترل نمی‌کنند (سرپولکی و کلاهی، ۱۳۹۵). همچنین دانش‌آموزانی که دارای والدین با سبک فرزندپروری مستبدانه هستند به علت تاکید والدین بر اعمال قدرت و انضباط اجباری، کنترل افراطی، عدم اجازه به فرزندان برای مخالفت با تصمیمات و قواعد خود، گرمی، صمیمیت و مهربانی کم با فرزندان، پرخاشگری بیشتری دارند، در روابط خود با همسالانشان با مشکل مواجه می‌شوند و با مسائل به صورت هیجانی برخورد می‌کنند و انگیزه‌ای برای عملکرد تحصیلی و بهبود آن ندارند. در سبک تربیتی سهل‌گیرانه اگرچه رابطه صمیمی و با محبتی با فرزندان وجود دارد اما راهنمایی و آموزش و انضباط لازم برای فرزندان وجود ندارد تا به آنان کمک کند مسئولیت را یاد بگیرند و ملاحظه‌ی دیگران را بکنند (ابراهیمی و موسوی، ۱۳۹۷) لذا این دانش‌آموزان عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری دارند. کنترل کم والدین موجب می‌شود فرزند احساس کند که می‌تواند به هر طریقی عمل کند و چارچوب‌هایی نیز برای آنها اعمال نمی‌شود، در نتیجه باعث می‌شود که دانش‌آموزان رشدیافته با سبک فرزندپروری سهل‌گیر، نسبت به تکالیف خود بی‌تفاوت بوده و کوشا نباشند و در نتیجه عملکرد تحصیلی ضعیفی داشته باشند.

هر پژوهش محدودیت‌هایی با خود به همراه دارد و این پژوهش از آن مستثنی نیست، محدودیت‌هایی از جمله نوع ابزار اندازه‌گیری که محدود به پرسشنامه‌ها شده و از سایر ابزارها استفاده نشده است و نمونه‌های شرکت‌کننده در پژوهش که صرفا تعدادی محدودی از دانش‌آموزان مناطق مختلف شهر تهران بوده‌اند. با توجه به برجسته بودن نقش سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، به نظر می‌رسد برنامه‌هایی از قبیل آموزش فرزندپروری صحیح به والدین از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی و تربیتی به منظور بهبود عملکرد تحصیلی فرزندان آنها تاثیرگذار باشد.

منابع

ابراهیمی، لقمان و موسوی، سیدجمال .(۱۳۹۷). رابطه مولفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری با گرایش به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان، سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۵(۱۹): ۵۲-۴۳

خلیلی، فاطمه .(۱۳۹۹). رابطه شیوه‌های فرزندپروری (استبدادی، آزادگذار و منطقی) با موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه، ایده‌های نوین روانشناسی، ۵(۹)

رستمی‌نژاد، محمدعلی و شوکتی‌راد، احمدرضا .(۱۳۹۵). پیش‌بینی عضویت در شبکه‌های مجازی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سازگاری، روانشناسی کاربردی، ۱۰(۲)

سرپولکی، بیتا و کلاهی، پریسا .(۱۳۹۵). بررسی رابطه شادکامی، ویژگی‌های شخصیتی و شیوه‌های فرزندپروری مادران با سلامت روان فرزندان، تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۲(۴)

سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۸). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران

شعبانی، زهرا و مویدی، معصومه .(۱۳۹۵). بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین با افسردگی دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی، خانواده و پژوهش، ۳۶

صابری‌راد ، احمد؛ حیدری، حسن و داوودی، حسین .(۱۳۹۹). اثربخشی برنامه‌ی فرزندپروری براساس مدل ساندرز بر تنظیم هیجان مادران و تعامل مادر و کودک با اختلال رفتاری، مطالعات ناتوانی، ۱۰

مهرافروز، اسماعیل .(۱۳۹۲). روش‌های پیشگیری از افت تحصیلی. تهران: انجمن اولیاء و مربیان

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

نصیرزاده، بهناز .(۱۴۰۱). رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری با هوش هیجانی در دانش‌آموزان، ایده‌های نوین روانشناسی، ۱۲(۱۶)
هاشمیان، سیده زهره .(۱۳۹۷). بررسی پیش‌بینی حل مسئله و خودکارآمدی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی در دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تربت حیدریه

Ardogdu, Yuksel. M. (2019). The Mediating Role of School Engagement in the Relationship between Attitude toward Learning and Academic Achievement. International Journal of Education & Literacy Studies,7 (2): 75-81

Darling, N., & Steinberg, L. (2017). Parenting style as context: An integrative model. In Interpersonal development (pp. 161-170). Routledge.

Lei, H., Chiu, M. M., Cui, Y., Zhou, W., & Li, S. (2018). Parenting Style and Aggression: A Meta-Analysis of Mainland Chinese Children and Youth. Children and Youth Services Review, 94, 446-455.

Maftei, A., Holman, A. C., & Cârlig, E. R. (2020). Does your child think you're happy? Exploring the associations between children's happiness and parenting styles. Children and Youth Services Review, 115, 105074.

Miller, A. L., Lambert, A.D., & Neumeister, K. (2012). Parenting style, perfectionism, and a single case series.J Behav Ther Exp Psychiatry; 36(3): 254-64.

Singh, S. K. (2015). Mental Health and Academic Achievement of College Students.

Yang, J., & Zhao, X. (2020). Parenting styles and children's academic performance: Evidence from middle schools in China. Children and Youth Services Review, 113, 105017.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

The Relationship Between Parenting Methods and the Academic Performance of Female High School Students

Saideh Yaghublou[1], Bahram AslFattahi[2]

Abstract

The purpose of this research is to investigate the relationship between parenting styles and academic performance in high school female students. The statistical population of this research includes all female students of the first secondary level in Tehran in the academic year 1402-1401, of which 168 people were selected as a sample using the multi-stage cluster sampling method. After the questionnaires were dropped, the remaining sample number was 156 people. The research tools were Bamrind's (1972) parenting styles questionnaires, which had acceptable validity and reliability, were used. Also, the students' monthly grade point average was used to measure academic performance. In order to analyze the data, inferential statistics of Pearson's correlation coefficient and multivariate regression were used using SPSS-23 software. The results showed that there is a significant relationship between parents' parenting styles and students' academic performance. The results indicated that there is a positive and significant relationship between authoritarian parenting style and academic performance and a negative and significant relationship between permissive and authoritarian parenting style and academic performance.

Keywords: Parenting Styles, Autocratic Style, Authoritarian Style, Permissive Style, Academic Performance

1 Master of Educational Psychology, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (corresponding author)

2 Assistant Professor, Shabester Azad University, Department of Educational Psychology, Islamic Azad University, Shabester, Iran

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]